



ارائه مدل رضایت زناشویی بر اساس سبک‌های دلبستگی بزرگسالان، سبک‌های

دلبستگی به خدا و توکل به خدا در زنان و مردان متأهل:

تحلیل اثرات مستقیم و غیرمستقیم با بررسی متغیرهای جمعیت‌شناختی

مصطفی کوچکزائی^۱، فریبا حسنی^۲، باقر غباری بناب^۳، مهدی دوایی^۴

۱. دانشجوی دکتری، گروه تربیت و مشاوره، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. دانشیار، گروه روانشناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. نویسنده مسئول: hassani.faribaa@gmail.com

۳. استاد، گروه روانشناسی و آموزش کودکان استثنایی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۴. استادیار، دانشکده روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.

چکیده

هدف پژوهش حاضر ارائه مدلی برای رضایت زناشویی بر اساس سبک‌های دلبستگی بزرگسالان، سبک‌های دلبستگی به خدا و توکل به خدا در زنان و مردان متأهل شهر تهران بود. روش پژوهش، از نوع بنیادی بود که با توجه به شیوه جمع‌آوری داده‌ها، در گروه پژوهش‌های توصیفی - همبستگی قرار می‌گرفت و با روش مدل‌سازی معادلات ساختاری انجام شد. جامعه پژوهش شامل کلیه مردان و زنان متأهل شهر تهران در مناطق شمال، جنوب، شرق، غرب و مرکز بودند که از میان آن‌ها با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای، ۷۷۳ نفر به شیوه در دسترس، انتخاب شدند. تحلیل داده‌ها نشان داد که سبک‌های دلبستگی بزرگسالان و توکل به خدا، به طور مستقیم، منجر به رضایت زناشویی می‌شوند. همچنین، متغیر توکل به خدا دارای نقش واسطه‌ای جزئی در رابطه بین سبک‌های دلبستگی به خدا و رضایت زناشویی می‌باشد و این نقش میانجی، در زن‌ها، معنادارتر از مردان بود. علاوه بر اینها، دیگر مسیرهای مستقیم و غیرمستقیم (واسطه، تعدیلگر، واسطه تعدیل شده) منتهی به متغیرهای رضایت زناشویی، توکل به خدا، سبک‌های دلبستگی بزرگسالان و سبک‌های دلبستگی به خدا با وارد کردن متغیرهای مهمی همچون جنسیت، سن، تحصیلات و مدت زمان ازدواج، تجزیه و تحلیل شدند. پایایی و روایی همگرا و واگرایی متغیرها با استفاده از آماره‌های پایایی مرکب، میانگین واریانس استخراج شده و نسبت روایی یگانه - دوگانه، بررسی شدند. مدل رضایت زناشویی از پایایی و روایی مناسبی برخوردار بود. همچنین، داده‌ها از برازش قابل‌قبولی برخوردار بوده و متغیرها، به اندازه مطلوبی، مستقل از یکدیگر بودند. مدل توانست ۲۷/۸٪ از رضایت زناشویی را تبیین کند که حاکی از مناسب بودن قدرت پیش‌بینی و تبیین مدل بود.

اطلاعات مقاله

تاریخ‌ها:

دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۲۲

پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۲۶

واژگان کلیدی:

مدل رضایت زناشویی

جنسیت

اثرات غیرمستقیم

توکل به خدا

سبک‌های دلبستگی

استناد: کوچکزائی، مصطفی، حسنی، فریبا، غباری بناب، باقر، دوایی، مهدی (۱۴۰۴). ارائه مدل رضایت زناشویی بر اساس سبک‌های دلبستگی

بزرگسالان، سبک‌های دلبستگی به خدا و توکل به خدا در زنان و مردان متأهل: تحلیل اثرات مستقیم و غیرمستقیم با بررسی متغیرهای




جمعیت‌شناختی. *روان‌شناسی فرهنگی*، ۹(۱). ۶۷-۸۴

<https://doi.org/10.30487/jcp.2025.483220.1736>

© ۱۴۰۴ (۲۰۲۵) نویسندگان مقاله، نشریه روان‌شناسی فرهنگی، ناشر: سازمان مطالعه و تدوین کتب دانشگاهی در علوم انسانی (سمت)



Presenting the model of marital satisfaction based on adult attachment styles, attachment styles to God and trust in God in married women and men: Analysis of direct and indirect effects by examining demographic variables

Mostafa koochakzaei¹ , Fariba Hasani ², Bagher Ghobari Bonab³ , Mahdi Davaei⁴

1. PhD Student, Department of Education and Counseling, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran
2. Associate Professor, Department of Psychology, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
Corresponding Author: hassani.faribaa@gmail.com
3. Professor, Department of Psychology and Education of Exceptional Children, Faculty of Psychology and Educational Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran.
4. Assistant Professor, Faculty of Psychology, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran.

Article Info

History

Received: March 12, 2025
Accepted: June 16, 2025

Keywords

Marital satisfaction model
Gender
Indirect effects
Trust in God
Attachment styles

Abstract

The purpose of the present study was to provide a model for marital satisfaction based on adult attachment styles, attachment styles to God, and trust in God in married men and women in Tehran. The research method was of a fundamental type, which according to the data collection method, was placed in the group of descriptive-correlational research and was carried out using the structural equation modeling method. The research population included all married men and women of Tehran city in the north, south, east, west, and center regions, from which 773 people were selected using the multi-stage cluster sampling method. The results of data analysis using partial least squares showed that adult attachment styles and trust in God lead directly and indirectly to marital satisfaction. Also, the trust in God variable has a partial mediating role in the relationship between styles of attachment to God and marital satisfaction, and this mediating role was more significant in women than in men. In addition to these, other direct and indirect paths (mediator, moderator, moderated mediator) leading to the variables of marital satisfaction, trust in God, attachment styles of adults, and attachment styles to God, were analyzed by considering important variables such as gender, age, education and duration of marriage. Reliability and convergent and divergent validity of the variables were investigated using composite reliability, average variance extracted, and heterotrait-monotrait ratio (HTMT). The model had adequate reliability and construct validity. Also, the data had acceptable fit indices and the variables were sufficiently independent. In total, they explained 27.8% of marital satisfaction, which indicated the appropriateness of the predictive and explanatory power of the model.

Citation: Koochakzaei, M., Hasani, F., Ghobari Bonab, B., & Davaei, M. (2025). Presenting the model of marital satisfaction based on adult attachment styles, attachment styles to God and trust in God in married women and men: Analysis of direct and indirect effects by examining demographic variables. *Cultural Psychology*, 9(1), 67-84.
<https://doi.org/10.30487/jcp.2025.483220.1736>

© 2025 Authors, Cultural Psychology.

Publisher: Organization for Researching and Composing University Textbooks in the Humanities (SAMT).

مقدمه

ازدواج یکی از هیجان‌انگیزترین و پرتنش‌ترین اتفاقات زندگی هر انسانی به شمار می‌رود. افراد در روند زندگی خود با ازدواج، دچار تغییر و تحول می‌شوند و خانواده به‌عنوان نهادی اجتماعی و عاطفی، می‌تواند کانون و بستر شکوفایی یا فروپاشی باشد (درخش، اصلانی و کرای، ۱۳۹۸: ۷۵). مطابق اخبار غیررسمی، هرچند که میزان طلاق‌ها در شش ماهه نخست سال ۱۴۰۳ نسبت به زمان مشابه در سال ۱۴۰۲ کاهش داشته است؛ اما میزان این کاهش، تنها ۰/۳۷٪ بوده است. به بیان دقیق‌تر، طبق آخرین آمار، در سال ۱۴۰۲، در شهر تهران به‌عنوان جامعه پژوهش حاضر، تعداد ۶۳۹۷۳ ازدواج و ۳۴۰۹۷ طلاق ثبت شده است که با یک نسبت ساده، می‌توان گفت که نسبت طلاق به ازدواج در تهران بیشتر از نصف (۵۳٪) است (درگاه آمارهای انسانی سازمان ثبت‌احوال کشور، ۱۴۰۳). در ایران اختلافات زناشویی و طلاق جزء آسیب‌های جدی جامعه به شمار می‌رود و پژوهشگران، طلاق را جزء پراسترس‌ترین رویدادهای زندگی رتبه‌بندی کرده‌اند (درگاهی، قاسمی و بیرانوند، ۱۳۹۷: ۱۱۰).

یکی از سازه‌های معتبر برای سنجش چندبعدی روابط زوجی افراد متأهل، رضایت زناشویی^۱ است که در ارزیابی کیفیت روابط زوجین نقش اساسی دارد. ثبات ساختار خانواده به کیفیت روابط زوجین بستگی دارد. روابط زناشویی ناکارآمد یا ناموفق در ازدواج نه تنها بهزیستی روان‌شناختی زوجین را تهدید می‌کند؛ بلکه بقای کانون خانواده را نیز به خطر می‌اندازد (Masoumi et al., 2017, p. 202). همچنین آلن و همکاران (Allen et al., 2022, p. 618) رضایت زناشویی را احساس خشنودی، رضایت و لذت زن و شوهر زمانی که همه جنبه‌های ازدواج خود را در نظر می‌گیرند، تعریف می‌کنند. ازدواج‌های پایدار براساس عواملی همچون نزدیکی، ارتباطات، حل تعارض، خانواده و دوستان، مدیریت مالی، انعطاف‌پذیری، اوقات فراغت، فعالیت‌ها، مسائل شخصی، روابط جنسی و باورهای مذهبی پیش‌بینی می‌شود (صاحب‌دل، زهراکار، و دلاور، ۱۳۹۴: ۴۳؛ Fowers & Olson, 1989, p. 72).

مسلم است که متغیرهای شخصیتی و محیطی بسیار زیادی با رضایت زناشویی در ارتباط‌اند که یکی از پیش‌بین‌های قدرتمند، سبک‌های دلبستگی زوجین است (Bedair et al., 2020, p. 332؛ Sandberg et al., 2017, p. 525)؛ مدل درون‌کاری^۲ فرد یا مجموعه‌ای درونی شده از باورها یا احساسات در مورد احساس ایمنی و امنیت که در طول زمان از طریق تعامل با دیگران شکل می‌گیرد. این تفاوت‌ها یا شباهت‌های هیجانی و شخصیتی بر روابط ما تأثیر می‌گذارند (Groh et al., 2017, p. 73). زوجین با سبک‌های دلبستگی خاص خود و مدل‌های درون‌کاری کسب شده از والدینشان وارد زندگی زناشویی شده و به‌گونه‌ای رفتار می‌کنند که تأییدکننده سبک دلبستگی‌شان باشد (Sina et al., 2018, p. 123).

امنیت دلبستگی را می‌توان تجربه‌ای توصیف کرد که از ارزیابی چهره‌های دلبستگی^۳ به‌عنوان «قابل‌دسترس» و «پاسخ‌گو» به دست می‌آید (Mikulincer & Shaver, 2019, p. 9). پژوهش‌های بسیار حاکی از آن هستند که زوجینی که دلبستگی ایمن دارند، روابط خود را به‌عنوان قابل‌اعتماد، شاد، حمایت‌کننده و پذیرنده ارزیابی کردند؛ درحالی‌که غالب افراد نایمن، خود را با ترس از صمیمیت تعریف می‌کردند. در نهایت، بزرگ‌سالان دوسوگرا روابط خود را همراه با نشانگان وسواس توصیف کردند که شامل وابستگی، حسادت و کنترل بیش از حد بود (Kobak et al., 2015, p. 345). مطالعات، همچنین، نشان داده است که همسران دلبسته ایمن، سطوح بالاتری از سازگاری و انسجام خانواده را گزارش کرده‌اند؛ و در مقابل؛ افراد دارای سبک دلبستگی اضطرابی با توانایی سازگاری پایین و انسجام خانوادگی شکننده توصیف می‌شدند (Jones et al., 2015, p. 68).

1. marital satisfaction
2. internal working model
3. attachment figures

بر اساس استدلال‌های کرک پاتریکو شیور (Kirkpatrick & Shaver, 1992, p. 272) یکی از انواع دیگر دل‌بستگی که از جهات بسیاری مشابه با سبک‌های دل‌بستگی است و می‌تواند بر رضایت زناشویی تأثیر معناداری داشته باشد، دل‌بستگی به خدا است که تحت عنوان ارتباط و گرایش عاطفی فرد به خداوند تعریف می‌شود. کرک پاتریک و شیور (۱۹۹۲) اذعان می‌دارند که شاخصه‌های مفهوم دل‌بستگی، برای خداوند نیز صدق می‌کند. خدا منبع و مبنای امنیت است و اغلب افراد هنگامی که دچار استرس و آشفتگی روانی شدیدی هستند به او پناه می‌برند. دیگر اینکه، خدا از یک سو سبب شکل‌گیری رفتارهای دل‌بستگی، مانند در جستجوی دیگران بر آمدن و نزدیک شدن به دیگران و از سوی دیگر سبب برانگیخته شدن واکنش‌های خصمانه همانند غم و اندوه می‌شود؛ بنابراین می‌توان خداوند را به‌عنوان تکیه‌گاه دل‌بستگی به حساب آورد و پذیرفت، زیرا همان ویژگی‌های سایر نمودنگارهای دل‌بستگی را دارا است.

دل‌بستگی به خدا بر روابط عاطفی با افراد بزرگسال به‌خصوص همسران، تأثیر دارد. صمیمیت و هیجانی که در دل‌بستگی به خدا وجود دارد، قابل انتقال به روابط بین فردی است. در نتیجه، دل‌بستگی به خدا در ایجاد سلامت روانی در زندگی و بهبود روابط بین زوجین مؤثر است (شهابی‌زاده، ۱۳۹۴: ۱۶۵). از سوی دیگر، باورهای مذهبی و التزام عملی به اعمال مذهبی، می‌تواند تعیین‌کننده مناسبی برای خرده‌مقیاس‌های کیفیت روابط زناشویی یعنی تعهد، اعتماد و عشق باشد. دین‌داری یکی از مهم‌ترین عوامل در تفاهم زوجین است و دل‌بستگی اجتنابی و اضطرابی به خدا، تأثیر منفی بر کیفیت زندگی زناشویی می‌گذارد (امان الهی، ایزدی پناه، و سودانی، ۱۳۹۴: ۱۱۰؛ رنجبر، نصرتی، غباری بناب، و حسنی، ۱۴۰۰: ۷۰؛ شهابی‌زاده، ۱۳۹۴: ۱۶۵).

از نقطه نظر روش‌های مقابله‌ای، جهت‌گیری معنوی نوعی راهبرد است که به‌وسیله آن، اشخاص می‌توانند مسائل زندگی خود را هدایت کنند. سازه توکل به خدا، یکی از مؤلفه‌ها و ابعاد کلیدی دین‌داری است که با سلامت روانی در ارتباط است. توکل در لغت یعنی کسی را وکیل قراردادادن و به او اعتماد و اتکا کردن. از نگاه غباری بناب و فقیهی (۱۳۸۸: ۴۷) «توکل به خدا عامل مهمی در تقویت روح بشر است. توکل به معنای نگرش و حالتی است که موجب می‌شود شخص در همه کارهایش، بر خداوند متعال اعتماد کند و علی‌رغم به‌کار بستن سعی و تلاش خود، نتیجه را به خدا واگذار کند». توکل از یک سو موجب کاهش اضطراب در افراد می‌گردد و از سوی دیگر امیدواری افراد را بالا می‌برد (غباری، ۱۳۷۷ الف: ۱۱۷؛ غباری، ۱۳۷۷ ب: ۱۸؛ بزرگی و ارفع، ۱۴۰۱: ۴۳؛ محمدعلی‌نژادعمران، ۱۳۹۹: ۷۵). با داشتن توکل، زوجین احساس تنهایی نمی‌کنند و همواره در مراحل مختلف زندگی، تکیه‌گاه و پناهی برای خود در نظر دارند. بدین گونه در سایه حمایت‌های او، فرصت اندیشیدن و جستجوگری راه‌حل‌های منطقی را پیدا می‌کنند (غباری بناب و فقیهی، ۱۳۸۸: ۴۷). همچنین، تحقیقات انجام‌شده بیانگر این است که نگرش معنوی و مذهبی زوج‌ها، می‌تواند تعدیل‌کننده بحران‌های زندگی باشد (ارزن کار و دهقانان، ۱۳۹۶: ۵۶).

به نظر پژوهشگران، حلقه مفقوده بسیاری از پژوهش‌های انجام شده در سطح بین‌المللی و ایران، در نظر نگرفتن یا ساده انگاشتن تأثیر مسائل و متغیرهای مذهبی بر رضایت زناشویی است. رابطه متغیرهای مذهبی همچون دل‌بستگی به خدا و توکل به خدا با رضایت زناشویی، در پژوهش دیگری به صورت مدل علی و بررسی مکانیزم ارتباطی بین متغیرها، بررسی نشده است؛ بنابراین، پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش واسطه‌ای توکل به خدا در رابطه بین سبک‌های دل‌بستگی بزرگسالان و سبک‌های دل‌بستگی به خدا با رضایت زناشویی در افراد متأهل، انجام شد. از سوی دیگر، تفاوت معناداری در میانگین متغیرهای مذکور در بین زن‌ها و مردهای متأهل وجود دارد. به بیان دیگر، رضایت زناشویی زنان به بیان احساسات دو نفره‌شان، گره خورده است و برای مردان، رضایت

با عدم یا کاهش تعارض بین زوجین، ارتباط دارد (Jackson et al., 2014, p. 126؛ Zaheri et al., 2016). تحقیقات همچنین نشان داده است که رضایت زناشویی از یک الگوی منحنی پیروی می‌کند. درحالی که رضایت زناشویی در ابتدای ازدواج، بالاترین میزان را دارد و پس از تولد اولین فرزند، به میزان قابل توجهی کاهش می‌یابد؛ سپس با نزدیک شدن والدین به مرحلهٔ پسا والدینی^۱، به آرامی افزایش می‌یابد (Glenn, 1975, p. 599؛ Bilal & Rasool, 2020, p. 81). باتوجه به این مهم، نقش میانجی متغیرهای جمعیت‌شناختی مهمی از جمله جنسیت، تحصیلات، سن و مدت زمان ازدواج نیز در این مدل علی بررسی شد تا درک عمیق‌تر و دقیق‌تری از متغیر رضایت زناشویی فراهم شود که می‌تواند در تحقیقات روان‌شناختی استفاده شود و افزون بر این، در ارائه مداخلات سودمندتر به زوجین نیز، مفید باشد. در نتیجه، سؤال اصلی پژوهش این گونه مطرح شد که آیا مدل مفهومی پیش‌بینی شده برای رضایت زناشویی، شاخص‌های برازش مناسبی در نمونهٔ زنان و مردان خواهد داشت؟

روش

پژوهش حاضر باتوجه به هدف آن، از نوع بنیادی و بر اساس روش گردآوری داده‌ها، در گروه تحقیقات علی قرار می‌گیرد که با روش مدل‌سازی معادلات ساختاری انجام شد. جامعهٔ پژوهش، شامل کلیهٔ زنان و مردان متأهل شهر تهران در مناطق و محدودهٔ شمال، جنوب، شرق، غرب و مرکز بودند که برای اطمینان از کفایت داده‌ها در نمونه‌گیری، از فرمول کوهن^۲ برای محاسبهٔ حداقل نمونهٔ لازم استفاده شد. باتوجه به اندازهٔ اثر مورد انتظار = ۰/۱، توان آماری = ۰/۸، متغیرهای مکون = ۴، و میزان معناداری = ۰/۰۵؛ تعداد نمونه، ۷۰۲ نفر تعیین شد که باتوجه به پیش‌بینی بی‌دقت پر شدن پرسش‌نامه‌ها به علت تعداد زیاد گویه‌ها، ۱۰٪ به این تعداد اضافه شد و ۷۷۳ نمونه به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای جمع‌آوری شد. هشت پرسش‌نامه به علت این‌که در مدت‌زمان کمتر از ۳ دقیقه تکمیل شده بودند، از تحلیل حذف شده و در نهایت داده‌های ۷۶۵ نفر، وارد تحلیل شدند. میانگین و انحراف معیار سنی ۳۷/۱۷ (۸/۵۴)؛ و میانگین و انحراف معیار مدت‌زمان ازدواج ۱۳/۵ (۹/۲۵) بود. اکثر افراد نمونه (۴۲/۴٪)، دارای مدرک کارشناسی بودند. بیشتر شرکت‌کنندگان (۲۲/۹٪) در مناطق مرکز تهران، زندگی می‌کردند.

جزئیات توصیفی متغیرهای جمعیت‌شناختی در جدول ۱، به تفکیک جنسیت ارائه شده است. به تمام شرکت‌کنندگان پس از توضیحاتی در مورد اهداف پژوهش، رضایت‌نامه شرکت در پژوهش نیز داده شد که در آن توضیح داده شده بود که نیازی به ذکر نام و نام خانوادگی نیست، اطلاعات به صورت گروهی تحلیل خواهند شد، هر زمان که بخواهند می‌توانند از ادامه همکاری صرف‌نظر نمایند، و اینکه برای تکمیل پرسشنامه‌ها ۳۰ دقیقه زمان نیز خواهند داشت. پس از آن، تکهٔ کی‌یوآر کدی (QR Code) که پرینت گرفته شده بود، در اختیار آن‌ها قرار داده شد تا هر زمانی که تمایل داشتند از طریق اسکن آن بتوانند به لینک پرسش‌نامه، دسترسی پیدا کنند و با صبر و حوصله، به آن پاسخ دهند. پرسشنامهٔ آنلاین، به صورتی طراحی شده بود که پاسخ به تمام سؤالات آن، اجباری بود و بدون تکمیل تمامی فیلدها، پاسخی برای پژوهشگران، ارسال نمی‌شد که از این طریق، میزان داده‌های ازدست‌رفته، به صفر رسید. داده‌ها به صورت مقطعی از مرداد تا دی‌ماه ۱۴۰۲ جمع‌آوری شدند. تحلیل‌های آماری با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS نسخهٔ ۲۶ و SmartPLS نسخهٔ ۴،۱،۰،۶ انجام شد.

1. post-parental phase
2. Cohen's D

جدول ۱ اطلاعات توصیفی متغیرهای جمعیت‌شناختی

زن	مرد	متغیرهای جمعیت‌شناختی
۵۰۲ (٪۶۵/۶)	۲۶۳ (٪۳۴/۴)	جنسیت (فراوانی و درصد)
۳۷/۸۵ (۸/۵۰)	۳۵/۸۶ (۸/۴۹)	سن (میانگین و انحراف معیار)
۱۵/۲۴ (۹/۲۸)	۱۰/۱۷ (۸/۲۶)	مدت‌زمان ازدواج (میانگین و انحراف معیار)
		تحصیلات (فراوانی و درصد)
۱۰ (٪۲)	۷ (٪۲/۷)	سیکل
۷۰ (٪۱۳/۹)	۳۶ (٪۱۳/۷)	دیپلم
۳۴ (٪۶/۸)	۳۳ (٪۱۲/۵)	فوق‌دیپلم
۲۲۲ (٪۴۴/۲)	۱۰۲ (٪۳۸/۸)	کارشناسی
۱۳۸ (٪۲۷/۵)	۶۰ (٪۲۲/۸)	کارشناسی‌ارشد
۲۵ (٪۵)	۲۲ (٪۸/۴)	دکتری
۳ (٪۰/۰۶)	۳ (٪۱/۱)	ذکر نشده
		منطقه زندگی
۴۸ (٪۱۸/۳)	۱۰۱ (٪۲۰/۱)	شمال
۴۹ (٪۱۸/۶)	۷۶ (٪۱۵/۱)	شرق
۶۶ (٪۲۵/۱)	۱۰۲ (٪۲۰/۳)	جنوب
۵۱ (٪۱۹/۴)	۹۷ (٪۱۹/۳)	غرب
۴۹ (٪۱۸/۶)	۱۲۶ (٪۲۵/۱)	مرکز

ابزار پژوهش

مقیاس توکل به خدا (Trust in God scale): این مقیاس از ۱۰ موقعیت فرضی تشکیل شده که هر کدام، با استفاده از طیف لیکرت پنج‌گزینه‌ای، پنج سبک مقابله‌ای مختلف (اتکا به خود، اتکا به دیگران، اتکا به طبیعت، تفویض کامل امور به خدا، و توکل به خدا) را از سه بعد شناختی، رفتاری و هیجانی، مورد سنجش قرار می‌دهد (غباری، ۱۳۷۷ ب: ۱۸). به عنوان مثال، پس از ارائه موقعیت فرضی، از شرکت‌کننده خواسته می‌شود که در طیف لیکرت پنج‌گزینه‌ای، پاسخ بدهد. برای نمره‌گذاری سبک مقابله‌ای متوکلا، باید در هر ده موقعیت، نمرات گویه‌های مبتنی بر توکل را در ابعاد رفتاری و شناختی با نمرات بعد هیجانی، جمع کرد که نمره هر فرد، می‌تواند از ۵۰ تا ۲۵۰، متغیر باشد. ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس توکل در پژوهش‌های مختلف مورد سنجش قرار گرفته و مناسب گزارش شده است (بناب و نمینی، ۲۰۱۰؛ غباری بناب، ۱۳۷۷ ب: ۱۸؛ غباری بناب، ۱۳۷۷ الف؛ غباری بناب و نصرتی، ۱۳۹۴). کوچکزانی، غباری بناب، حسنی و دوائی (۱۴۰۳: ۳۲۲) دو فرم موازی کوتاه پنج‌موقعیتی را برای مقیاس توکل به خدا تهیه کردند که در پژوهش حاضر به صورت تصادفی از یکی از آن‌ها استفاده شد.

مقیاس سبک دلبستگی بزرگسالان (Adult attachment styles scale): کولینز و رید (Collins & Read, 1990, p. 663) این پرسش‌نامه که شامل ۱۸ گویه است، را برای سنجش سبک‌های دلبستگی بزرگسالان تهیه کردند. این پرسش‌نامه، از سه زیرمقیاس وابستگی^۱، (معکوس دلبستگی اجتنابی شامل سؤالات ۱، ۶، ۸، ۱۲، ۱۳ و ۱۷)، نزدیک بودن (معادل دلبستگی ایمن) شامل سؤالات ۲، ۵، ۷، ۱۴، ۱۶ و ۱۸) و اضطراب (معادل دلبستگی اضطرابی) شامل سؤالات ۳، ۴، ۹، ۱۰، ۱۱ و ۱۵) تشکیل شده است که شرکت‌کننده در یک طیف چهارگزینه‌ای از صفر = کاملاً مخالفم تا ۴ = کاملاً

1. dependency

موافقم باید به آن‌ها پاسخ دهد؛ بنابراین، بازه نمره هر سبک از ۰ تا ۲۴ می‌تواند متغیر باشد. گویه‌های ۲، ۷، ۸، ۱۳، ۱۷ و ۱۸ معکوس، نمره‌گذاری می‌شوند. تهیه‌کنندگان، ضریب آلفای کرونباخ ۰/۶۹ را برای نزدیک بودن، ۰/۷۵ را برای وابستگی و ۰/۷۲ را برای اضطراب گزارش کردند (کولینز و رید، ۱۹۹۰). پاک‌دامن (۱۳۸۰) به بررسی ویژگی‌های این مقیاس در جمعیت ایرانی پرداخته و پایایی و روایی را مناسب گزارش کرده است. در پژوهش حاضر، آلفای کرونباخ، برای ابعاد وابستگی ۰/۵۹، نزدیک بودن ۰/۷۱ و برای اضطراب ۰/۸۳ به دست آمد.

مقیاس دلبستگی به خدا (Attachment to God scale): این مقیاس را روات (۲۰۰۲) برای ارزیابی سبک‌های دلبستگی به خدا تهیه کرده و دارای ۹ گویه برای سنجش سه سبک دلبستگی ایمن به خدا (گویه‌های ۱، ۴ و ۶)، دلبستگی اضطرابی یا دوسوگرا به خدا (گویه‌های ۲، ۷ و ۹) و دلبستگی اجتنابی به خدا (گویه‌های ۳، ۵ و ۸) می‌باشد. آزمودنی باید با در نظر گرفتن نوع ارتباطش با خدا بر مبنای یک طیف لیکرت پنج‌گزینه‌ای (از ۱ کاملاً مخالفم تا ۵ کاملاً موافقم) به گویه‌ها پاسخ دهد. در پژوهش روات (۲۰۰۲)، ضریب آلفای کرونباخ برای بعد اجتنابی ۰/۹۲؛ برای بعد اضطرابی ۰/۸۰ و برای بعد ایمن، معادل ۰/۹۰، گزارش شده و روایی سازه مقیاس نیز، مناسب بوده است. سیاه منصور، شهابی‌زاده و خوشنویسی (۱۳۸۷: ۲۶۵)، میزان پایایی و روایی این مقیاس را در جمعیت ایرانی، مناسب گزارش کرده‌اند. در پژوهش حاضر، آلفای کرونباخ بعد اجتنابی ۰/۸۷، بعد اضطرابی ۰/۸۰ و بعد ایمن ۰/۶۰ به دست آمد.

مقیاس رضایت زناشویی (Marital Satisfaction scale): فوروز و السون (۱۹۸۹) پرسش‌نامه انریچ را تهیه کردند و اذعان داشتند که این مقیاس، نسبت به تغییراتی که در خانواده به وجود می‌آید حساس است. این مقیاس، چهار عامل رضایت (۱، ۵، ۹، ۱۳، ۱۷، ۲۱، ۲۴، ۲۷، ۳۰ و ۳۵)، ارتباطات (۲، ۶، ۱۰، ۱۴، ۱۸، ۲۲، ۲۵، ۲۸، ۳۱ و ۳۴)، حل تعارض (۳، ۷، ۱۱، ۱۵، ۱۹، ۲۳، ۲۶، ۲۹، ۳۲ و ۳۳) و تحریف آرمانی (۴، ۸، ۱۲، ۱۶ و ۲۰) را در طیف لیکرت پنج‌گزینه‌ای، مورد سنجش قرار می‌دهد. فوروز و السون (۱۹۸۹) ضریب آلفای پرسشنامه برای خرده مقیاس‌های رضایت زناشویی، ارتباط، حل تعارض و تحریف آرمانی به ترتیب از این‌قرار است: ۰/۸۶، ۰/۸۰، ۰/۸۴، ۰/۸۳ و اعتبار باز آزمایی پرسشنامه نیز، مناسب بوده است.

یافته‌ها

شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش در جدول ۲ ارائه شده‌اند.

جدول ۲ میانگین، انحراف معیار، کجی و کشیدگی متغیرهای پژوهش

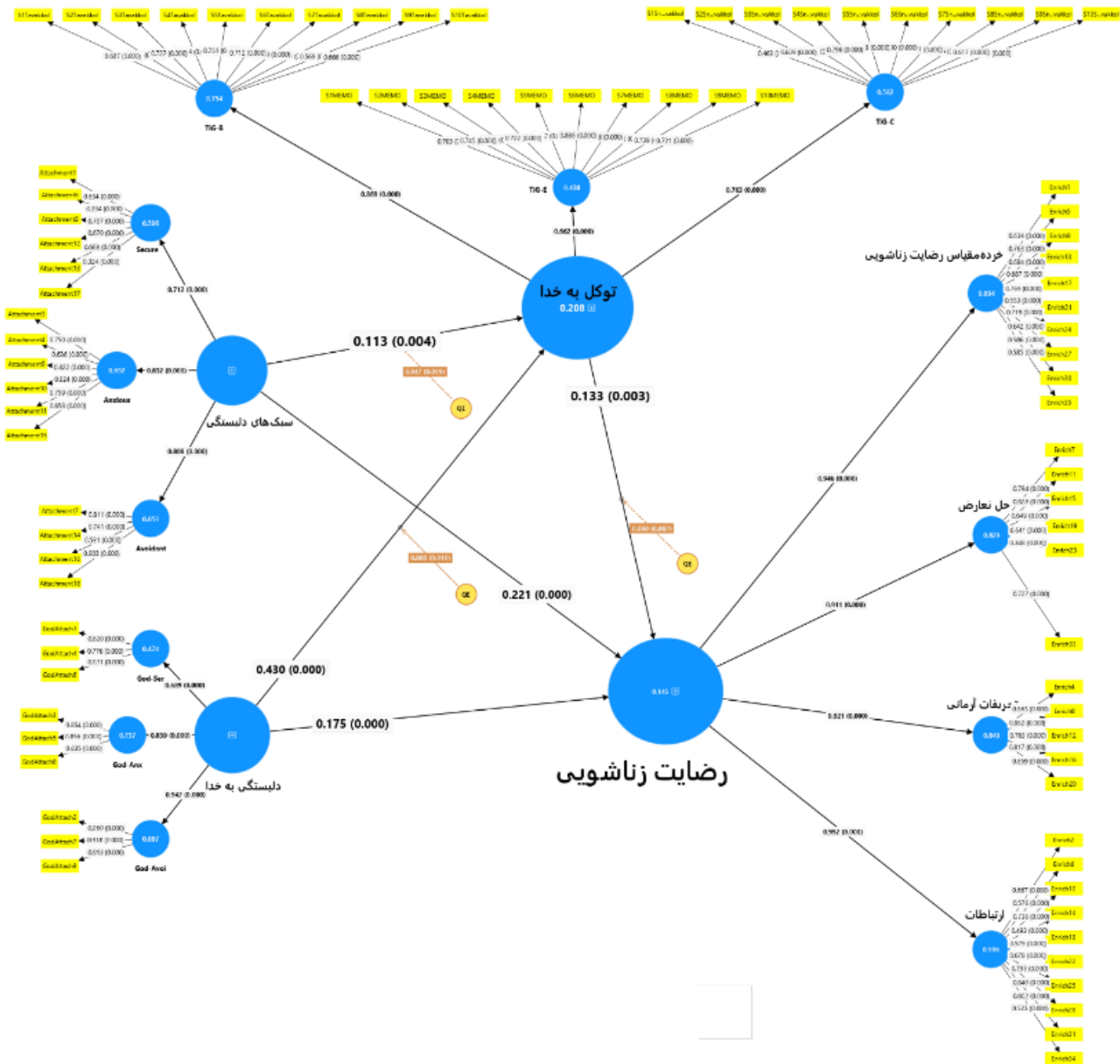
متغیرها	میانگین	انحراف معیار	کجی	کشیدگی
دلبستگی ایمن	۲۲/۱۹	۳/۳۱	-۰/۲۵	۰/۳۰
دلبستگی اضطرابی	۱۵/۱۱	۴/۶۲	۰/۳۲	-۰/۱۸
دلبستگی اجتنابی	۱۸/۶۵	۳/۱۵	۰/۰۸	۰/۱۶
دلبستگی ایمن به خدا	۱۲/۱۸	۱/۹۱	-۰/۶۲	۰/۶۳
دلبستگی اضطرابی به خدا	۷/۱۷	۲/۸۷	۰/۳۳	-۰/۵۱
دلبستگی اجتنابی به خدا	۵/۸۷	۲/۷۱	۱/۰۴	۰/۸۷
توکل به خدا	۸۱/۸۴	۷/۹۹	-۰/۷۹	۱/۶۸
رضایت زناشویی	۱۱۰	۲۳/۴۰	-۰/۱۴	-۰/۳۸

بر اساس جدول ۲، تمامی متغیرها از نظر مقدار کجی در بازه $-0/79$ تا $+1/04$ و از نظر مقدار کشیدگی در بازه $-0/51$ تا $1/68$ قرار گرفته‌اند (Chua, 2023, p. 45)؛ بنابراین با اطمینان می‌توان گفت که داده‌های از توزیع طبیعی برخوردار بوده و برای به کارگیری در روش مدل‌سازی معادلات ساختاری، شرایط مناسبی دارند.

در ادامه، مدل ابتدایی (شکل ۱) با استفاده از فرم بلند اجرا شد و پس از آن، در مدل اصلاح‌شده (شکل ۲)، یکی از فرم‌های کوتاه مقیاس توکل به خدا (فرم B)، به صورت تصادفی به کار رفت.

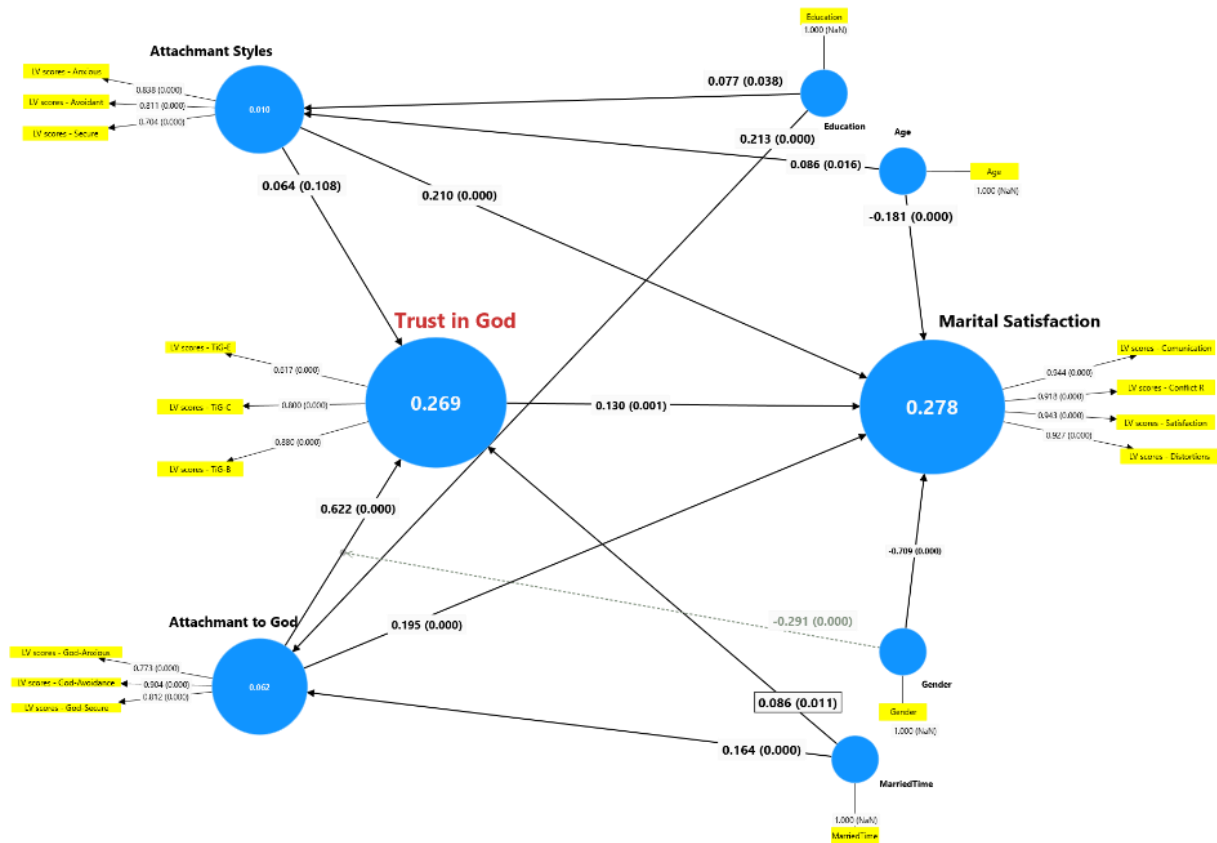
مدل‌های ارائه شده برای متغیر رضایت زناشویی با استفاده از قابلیت بوت‌استرپ نرم‌افزار SmartPLS 4.1.6 نسخه ۲۰۲۴ اجرا شده‌اند تا بتوان با سهولت هر چه بیشتر، بتای مسیرها و معنی‌داری آن‌ها را به‌طور همزمان مشاهده کرد. در بررسی مدل‌های اندازه‌گیری^۱، همان‌گونه که در شکل ۲، مشخص است، تمامی مسیرها از خرده‌مقیاس‌ها به گویه‌ها، در سطح $p \leq 0/001$ معنادار بوده و اکثر گویه‌ها از بار عاملی بالاتر از $0/4$ برخوردار بوده‌اند که نشان‌دهنده مناسب بودن مدل‌های اندازه‌گیری است (Chua, 2023, p. 45). جهت کاهش خطای محاسبات در مدل‌های مرتبه دوم^۲ در نرم‌افزار SmartPLS، مطابق راهنمای پروفیسور جیمز گاسکین^۳ در یوتوب، به جای تک‌تک گویه‌ها، از نمرات متغیر مکنون^۴ (LVS) استفاده شد که مدل اصلاح‌شده (شکل ۲) با متغیرهای پیش‌بین (سبک‌های دل‌بستگی، سبک‌های دل‌بستگی به خدا، توکل به خدا)؛ متغیر ملاک (رضایت زناشویی)؛ متغیرهای کنترل (جمعیت شناختی = سن، جنسیت، تحصیلات و مدت زمان ازدواج)؛ متغیر واسطه^۵ (توکل به خدا) و متغیر میانجی تعدیل‌شده^۶ (جنسیت) ارائه شده است. در مدل اصلاح‌شده، از فرم کوتاه B مقیاس توکل به خدا به صورت تصادفی استفاده شد تا میزان همسانی این مقیاس موازی جدید با فرم بلند، مورد سنجش قرار گیرد. همچنین، مسیرهای غیرمعنادار و همبستگی‌های غیرخطی (QE) به علت همسو بودن کامل با همبستگی‌های خطی، حذف شدند.

-
1. measurement models
 2. second order models
 3. James Gaskin
 4. latent variable scores
 5. mediator
 6. moderated mediation



شکل ۱ مدل ابتدایی ارائه شده از متغیر رضایت زناشویی بر اساس سبک‌های دلبستگی، سبک‌های دلبستگی به خدا و نقش واسطه‌ای توکل به خدا (فرم بلند)

مخفف‌ها: QE: معناداری غیر خطی



شکل ۲ مدل اصلاح شده رضایت زناشویی بر اساس سبک‌های دلبستگی، دلبستگی به خدا و مقیاس توکل به خدا (فرم B)

ضرایب مسیرهای مستقیم، بتای استاندارد هر مسیر، انحراف معیار و میزان معناداری در جدول ۳ نشان داده شده است.

جدول ۳ ضرایب مسیرهای مستقیم مدل رضایت زناشویی

P	T	انحراف معیار	بوت استرپ	نمونه اصلی	مسیرهای مستقیم
۰/۰۰۱	۵/۸۷	۰/۰۳۶	۰/۲۱۱	۰/۲۱۰	سبک‌های دلبستگی - رضایت زناشویی
۰/۱۰۸	۱/۶۰۷	۰/۰۴	۰/۰۶۷	۰/۰۶۴	سبک‌های دلبستگی - توکل به خدا
۰/۰۰۱	۵/۰۹۸	۰/۰۳۸	۰/۱۹۵	۰/۱۹۵	دلبستگی به خدا - رضایت زناشویی
۰/۰۰۱	۹/۷۸۶	۰/۰۶۴	۰/۶۲۳	۰/۶۲۲	دلبستگی به خدا - توکل به خدا
۰/۰۰۱	۳/۲۹۵	۰/۰۳۹	۰/۱۲۹	۰/۱۳	توکل به خدا - رضایت زناشویی
۰/۰۰۱	۱۳/۲۳۷	۰/۰۵۴	-۰/۷۰۸	-۰/۷۰۹	جنسیت - رضایت زناشویی
۰/۰۰۱	۵/۷۰۲	۰/۰۳۲	-۰/۱۸۲	-۰/۱۸۱	سن - رضایت زناشویی
۰/۰۱۶	۲/۴۱۱	۰/۰۳۶	۰/۰۸۴	۰/۰۸۶	سن - سبک‌های دلبستگی
۰/۴۲۷	۰/۷۹۵	۰/۰۳۳	-۰/۰۲۷	-۰/۰۲۶	تحصیلات - رضایت زناشویی
۰/۰۰۱	۵/۵۲	۰/۰۳۹	۰/۲۱۲	۰/۲۱۳	تحصیلات - دلبستگی به خدا
۰/۰۳۸	۲/۰۷۴	۰/۰۳۷	۰/۰۸	۰/۰۷۷	تحصیلات - سبک‌های دلبستگی
۰/۹۵۵	۰/۰۵۶	۰/۰۷۴	۰/۰۰۴	۰/۰۰۴	مدت ازدواج - رضایت زناشویی
۰/۰۰۱	۴/۷۹	۰/۰۳۴	۰/۱۶۵	۰/۱۶۴	مدت ازدواج - دلبستگی به خدا
۰/۰۱۱	۲/۵۳۷	۰/۰۳۴	۰/۰۸۶	۰/۰۸۶	مدت ازدواج - توکل به خدا

بر اساس داده‌های جدول ۳ می‌توان گفت:

• سبک‌های دلبستگی به طور مستقیم منجر به رضایت زناشویی ($t = 5/87$ ؛ $p = 0/001$) شده است؛ اما مسیر متغیر سبک‌های دلبستگی به متغیر توکل به خدا ($t = 1/67$ ؛ $p = 0/108$)، معنادار نبوده است. سبک‌های اجتنابی و اضطرابی به صورت نمره گذاری معکوس و هم‌راستا با دلبستگی ایمن وارد مدل شده‌اند.

• دلبستگی به خدا مستقیماً منجر به رضایت زناشویی ($t = 5/098$ ؛ $p = 0/001$) و توکل به خدا ($t = 9/768$ ؛ $p = 0/001$) شده است. سبک‌های اجتنابی و اضطرابی دلبستگی به خدا به صورت نمره گذاری معکوس و هم‌راستا با دلبستگی ایمن به خدا وارد مدل شده‌اند.

• توکل به خدا ($t = 3/295$ ؛ $p = 0/001$) به طور معناداری منجر به رضایت زناشویی شده است.

در رابطه با مسیرهای مستقیم متغیرهای جمعیت‌شناختی به سمت متغیرهای درون‌زاد^۱، یافته‌های ذیل به دست آمد:

• متغیر جنسیت، معنادارترین مسیر ($\beta = -0/708$ ؛ $t = 13/237$ ؛ $p = 0/001$) را به متغیر رضایت زناشویی داشت. تحلیل داده‌ها نشان داد که میانگین رضایت زناشویی زن‌ها ($104/85$)، به میزان چشم‌گیری پایین‌تر از مردان ($119/82$) بوده است.

• افزایش سن به طور منفی و معناداری ($t = 5/702$ ؛ $p = 0/001$) منجر به کاهش رضایت زناشویی شده است؛ اما این رابطه فقط برای زن‌ها ($t = -0/193$ ؛ $p = 0/001$) معنادار بوده است. یافته دیگر اینکه افزایش سن، منجر به بهبود سبک‌های دلبستگی ($t = 2/411$ ؛ $p = 0/016$) در هر دو جنسیت شده است.

• از یافته‌های جالب توجه پژوهش حاضر اینکه با افزایش تحصیلات، میزان رضایت زناشویی، تغییری نمی‌کند؛ اما سبک‌های دلبستگی ($t = 2/074$ ؛ $p = 0/038$) و دلبستگی به خدا ($t = 5/52$ ؛ $p = 0/001$) به میزان معناداری، بهبود می‌یابد.

• مدت‌زمان ازدواج، منجر به رضایت زناشویی یا بهبود سبک‌های دلبستگی نمی‌شود؛ اما با افزایش مدت‌زمان ازدواج، دلبستگی به خدا ($t = 4/79$ ؛ $p = 0/001$) و توکل به خدا ($t = 2/537$ ؛ $p = 0/011$) افزایش می‌یابد.

مقادیر ضریب‌های تعیین‌شده^۲ در دایره‌های آبی‌رنگ هر متغیر نشان داده شده است و مطابق با شکل ۲، متغیر رضایت زناشویی، به میزان $27/8\%$ توسط مدل ارائه‌شده (متغیرهای سبک‌های دلبستگی، سبک‌های دلبستگی به خدا، توکل به خدا، سن و جنسیت) تبیین شده است.

در مرحله بعد، معناداری اثرات غیرمستقیم ویژه^۳ در مدل رضایت زناشویی، بررسی شد که نتایج آن در جدول ۴ ارائه شده است. مسیرهایی که به صورت مستقیم، معنادار نبوده‌اند، اما به واسطه متغیر دیگری معنادار شده‌اند (واسطه کامل)، به صورت پررنگ، نمایش داده شده است.

جدول ۴ ضرایب مسیرهای غیرمستقیم مدل رضایت زناشویی

P	T	انحراف معیار	بوت‌استرپ	نمونه اصلی	مسیرهای مستقیم
0/183	1/333	0/006	0/009	0/008	سبک‌های دلبستگی -> توکل به خدا -> رضایت زناشویی
0/015	3/216	0/025	0/08	0/081	دلبستگی به خدا -> توکل به خدا -> رضایت زناشویی
0/015	2/437	0/015	-0/038	-0/038	جنسیت x دلبستگی به خدا -> توکل به خدا -> رضایت زناشویی
0/022	2/292	0/008	0/018	0/018	سن -> سبک‌های دلبستگی -> رضایت زناشویی
0/043	1/964	0/008	0/02	0/019	تحصیلات -> سبک‌های دلبستگی -> رضایت زناشویی
0/014	2/435	0/014	0/039	0/039	مدت ازدواج -> دلبستگی به خدا -> رضایت زناشویی
0/001	4/37	0/023	0/103	0/102	مدت ازدواج -> دلبستگی به خدا -> توکل به خدا

1. endogenous
2. adjusted R-squared
3. specific indirect effects

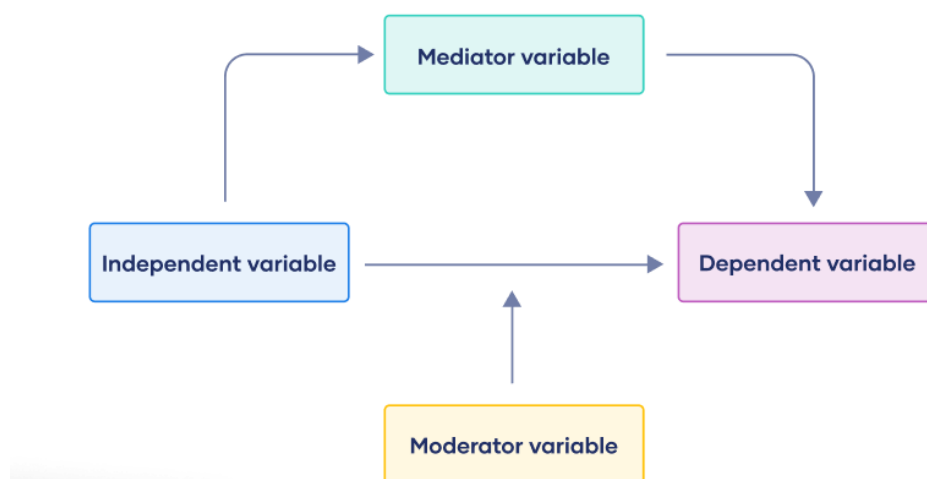
باتوجه به داده‌های جدول‌های ۳ و ۴ این نتایج در مورد معناداری مسیرهای غیرمستقیم به دست آمد:

- سبک‌های دلبستگی به طور مستقیم به رضایت زناشویی، منجر می‌شود؛ اما تأثیر غیرمستقیم آن از طریق متغیر میانجی توکل به خدا معنادار نیست؛ به بیان دیگر، نقش واسطه‌ای متغیر توکل به خدا در رابطه بین سبک‌های دلبستگی و رضایت زناشویی، تأیید نمی‌شود.

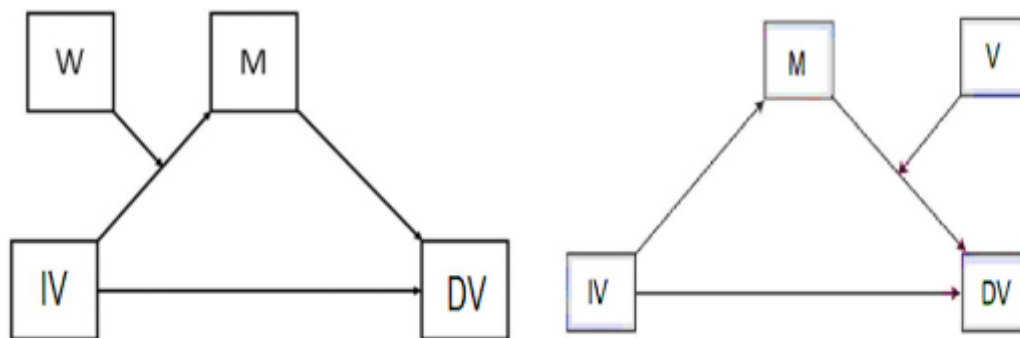
- سبک‌های دلبستگی به خدا، هم به طور مستقیم منجر به رضایت زناشویی می‌شود و هم به صورت غیرمستقیم، یعنی از طریق متغیر توکل به خدا، بر رضایت زناشویی اثرگذار است. به عبارت دیگر، دلبستگی به خدا، منجر به توکل به خدا و در نهایت منجر به افزایش رضایت زناشویی می‌شود؛ بنابراین باتوجه به کاهش ضریب مسیر ($\beta = 0/080$ ؛ $p = 3/216$ ؛ $t = 0/001$) نقش واسطه‌ای جزئی توکل به خدا تأیید می‌شود. در همین راستا، یافته‌ها همچنین نشان دادند که این نقش واسطه، توسط متغیر جنسیت، تعدیل می‌شود (اثر غیرمستقیم میانجی تعدیل شده، شکل ۴). به بیان دیگر، اثر غیرمستقیم سبک‌های دلبستگی به خدا بر رضایت زناشویی از طریق توکل، به واسطه جنسیت ($t = 3/216$ ؛ $p = 0/015$)، تعدیل می‌شود. بنابراین، نقش واسطه‌ای توکل، در زنها قوی‌تر از مردان است.

- همان‌گونه که ذکر شد افزایش سن به طور مستقیم منجر به کاهش رضایت زناشویی در زنها می‌شود (جدول ۳). باتوجه به یافته‌های جدول ۴، سبک دلبستگی، رابطه سن و رضایت زناشویی را به صورت جزئی، واسطه می‌کند ($t = 2/292$ ؛ $p = 0/022$). به عبارت دیگر، داشتن دلبستگی ایمن در زنها، باعث کاهش تأثیرات افزایش سن بر رضایت زناشویی می‌شود.

- افزایش تحصیلات به طور مستقیم منجر به افزایش رضایتمندی زناشویی نمی‌شود (جدول ۳)، اما از طریق بهبود سبک‌های دلبستگی، می‌تواند باعث افزایش رضایت زناشویی شود ($t = 1/964$ ؛ $p = 0/04$ ؛ جدول ۴)؛ بنابراین، سبک‌های دلبستگی، دارای نقش واسطه‌ای کامل در رابطه بین تحصیلات و رضایت زناشویی است. افزایش مدت‌زمان ازدواج به طور مستقیم منجر به افزایش رضایتمندی زناشویی نمی‌شود (جدول ۳)، اما از طریق افزایش دلبستگی به خدا، می‌تواند باعث افزایش رضایت زناشویی شود ($t = 2/435$ ؛ $p = 0/014$). به عبارت دیگر، «دلبستگی به خدا»، دارای نقش واسطه‌ای کامل در ارتباط بین مدت‌زمان ازدواج و رضایت زناشویی می‌باشد.



شکل ۳ متغیر واسطه (میانجی) در مقابل متغیر تعدیلگر



شکل ۴ متغیر میانجی تعدیل شده (سمت چپ) و متغیر تعدیلگر میانجی شده (سمت راست)

برای بررسی پایایی و روایی سازه (همگرا و واگرا) مدل از مقادیر پایایی مرکب^۱ (CR) و میانگین واریانس استخراج شده^۲ (AVE) استفاده شد (جدول ۵).

جدول ۵ نتایج بررسی پایایی و روایی مدل رضایت زناشویی

متغیرها	آلفای کرونباخ	پایایی مرکب	میانگین واریانس استخراج شده
سبک‌های دلبستگی	۰/۷	۰/۸۲۹	۰/۶۱۹
دلبستگی به خدا	۰/۷۸۲	۰/۸۷	۰/۶۹۲
توکل به خدا	۰/۶۵۶	۰/۸۱۴	۰/۵۹۶
رضایت زناشویی	۰/۹۵۱	۰/۹۶۴	۰/۸۷۱

بر اساس نتایج جدول ۵ میزان آلفای کرونباخ در متغیر توکل به خدا، به میزان تقریباً ۰/۴۴، کمتر از میزان پیشنهاد شده ۰/۷ است؛ اما پایایی مرکب که ضریب معتبرتری برای مدل‌های ساختاری است، نشان داد که هر چهار متغیر، از پایایی مناسبی برخوردار بوده‌اند. میزان میانگین واریانس استخراج شده در تمامی متغیرها بزرگ‌تر از ۰/۵ است که نشان‌دهنده مناسب بودن روایی سازه همگرا است. از سوی دیگر، مقادیر پایایی مرکب، بزرگ‌تر از مقادیر میانگین واریانس استخراج شده هستند که حاکی از روایی واگرای سازه است (Chua, 2023, p. 45).

در مدل‌های رگرسیونی و مدل‌های ساختاری همیشه باید مفروضه‌ها را به دقت پیش کرد. یکی از آنها مشکل هم‌خطی میان سازه‌ها است که اگر چنانچه بالا باشد، نتایج مربوط به ضریب تعیین و قدرت پیش‌بینی مدل مورد تردید خواهد بود. اگر متغیرهای مستقل با هم همبستگی بالایی داشته باشند، به صورتی کاذب قدرت پیش‌بینی مدل را بالا نشان می‌دهند. برای بررسی این وضعیت از آماره عامل تورم واریانس^۳ (VIF) استفاده شد. چنانچه مقدار عامل تورم واریانس از ۳/۳ کمتر باشد مطلوب است. نتایج بررسی این مورد در جدول ۶ ارائه شده است.

جدول ۶ بررسی عامل تورم واریانس (هم‌خطی) در مدل رضایت زناشویی

VIF	مسیرها
۱/۱۳۹	سبک‌های دلبستگی - رضایت زناشویی
۱/۱۳۶	سبک‌های دلبستگی - توکل به خدا
۱/۴۰۹	دلبستگی به خدا - رضایت زناشویی
۲/۷۸۵	دلبستگی به خدا - توکل به خدا
۱/۳۳۲	توکل به خدا - رضایت زناشویی

1. composite reliability
2. average variance extracted
3. variance inflation factor

باتوجه به نتایج جدول ۶ در بین هیچ یک از متغیرها، عامل تورم واریانس بیش از مقدار پیشنهادی ۳/۳ نرم‌افزار SmartPLS نبوده است؛ بنابراین مدل مشکل هم‌خطی ندارد و متغیرها مستقل از یکدیگر هستند و می‌توان گفت مدل از ضرایب تبیین و قدرت پیش‌بینی مناسبی برخوردار است.

شاخص‌های برازش مدل رضایت زناشویی با استفاده از روش حداقل مربعات جزئی، نشان داد که شاخص ریشه میانگین مربعات باقیمانده استاندارد^۱ (SRMR) در مدل رضایت زناشویی ۰/۰۷۴ و شاخص تناسب بهنجار^۲ (NFI) ۰/۸۰۹ بوده است؛ که باتوجه به مقادیر پیشنهادی برای این دو شاخص، در آستانه مطلوبی قرار دارند (شکل ۳).

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف ارائه و مقایسه مدل رضایت زناشویی در زنان و مردان متأهل بر اساس متغیرهای سبک‌های دلبستگی بزرگسالان، سبک‌های دلبستگی به خدا و نقش واسطه‌ای توکل به خدا بود. اهداف فرعی دیگر، بررسی نقش‌های واسطه‌ای، تعدیلگر، واسطه‌ای تعدیل‌شده و تعدیلگر واسطه‌شده در متغیرهای دیگر و متغیرهای جمعیت‌شناختی مهم، همچون جنسیت، سن، تحصیلات و مدت‌زمان ازدواج بود. نمونه پژوهش حاضر را زنان و مردان متأهل شهر تهران از مناطق تصادفی در بخش‌های مرکز، شمال، شرق، جنوب و غرب تشکیل دادند که با روش خوشه‌ای در دسترس، جمع‌آوری شدند. تحلیل‌های آماری نشان داد که داده‌ها باتوجه به شاخص‌های ریشه میانگین مربعات باقیمانده استاندارد (۰/۰۷۴) و شاخص تناسب بهنجار (۰/۸۰۹) از برازش مطلوبی برخوردار بوده‌اند.

برای بررسی پایایی و روایی سازه (همگرا و واگرا) مدل از مقادیر پایایی مرکب و میانگین واریانس استخراج‌شده استفاده شد و نتایج حاکی از آن بود که هر چهار متغیر، از پایایی مناسبی برخوردار بوده‌اند. علاوه بر این، میزان میانگین واریانس استخراج‌شده در تمامی متغیرها بزرگ‌تر از ۰/۵ است که نشان‌دهنده مناسب بودن روایی همگرا بود. از سوی دیگر، مقادیر پایایی مرکب، بزرگ‌تر از مقادیر میانگین واریانس استخراج‌شده بودند که حاکی از روایی واگرای سازه است (Chua, 2023, p. 45). برای محاسبه روایی تشخیصی از نسبت روایی یگانه - دوگانه نیز استفاده شد که باتوجه به مقدار پیشنهادی ۰/۹ برای این شاخص، می‌توان گفت که مدل رضایت زناشویی از روایی تشخیصی مناسبی برخوردار است. در نهایت، برای اطمینان از صحت و دقت ضرایب تعیین و قدرت پیش‌بینی مدل ارائه‌شده، وجود هم‌خطی میان متغیرها با آزمون تورم واریانس، مورد سنجش قرار گرفت و مشخص شد که سازه‌ها به اندازه مطلوب مستقل از یکدیگر بوده‌اند.

یافته‌ها نشان داد که هر دو متغیر پیش‌بین سبک‌های دلبستگی بزرگسالان و سبک‌های دلبستگی به خدا به صورت مستقیم منجر به بهبود رضایت زناشویی می‌شوند؛ اما متغیر توکل به خدا، در بین زن‌ها دارای نقش واسطه‌ای قوی‌تری در رابطه بین سبک‌های دلبستگی به خدا و رضایت زناشویی است. به بیان دیگر، داشتن دلبستگی ایمن نسبت به خدا در زن‌ها، به تدریج منجر به توکل به او در امور زندگی می‌شود که این مسئله می‌تواند رضایت زناشویی را نیز افزایش دهد. این یافته همسو با پژوهش‌های غباری (۱۳۷۷ ب: ۲۱) و غباری و نصرتی (۱۳۹۴) است که نشان دادند زن‌ها چه از نظر عملی و چه از نظر شناختی، توکل بیشتری نسبت به مردان دارند که این موضوع به بهبود رضایت زناشویی آن‌ها کمک می‌کند. اما به نظر می‌رسد که در مورد مردها، هر چند داشتن دلبستگی ایمن به خدا منجر به توکل به خدا می‌شود، اما این اعتماد و توکل، به میزان کمتری، منجر به بهبود رضایت زناشویی می‌شود. در تبیین این یافته، شاید بتوان گفت که مطابق پژوهش‌ها (به عنوان مثال غباری و نصرتی، ۹۴)، زن‌ها در شاخص‌های دینداری، میانگین بالاتری از مردان دارند و برای

1. standardized root mean squared
2. normed fit index

مردها باتوجه به مسئولیتی که نسبت به خانواده دارند، افزایش رضایتمندی بیشتر از اینکه خدامحور (به نوعی دیگر محور) باشد، خود محور است.

در رابطه با تأثیر متغیرهای جمعیت‌شناختی بر این روابط، داده‌ها نشان داد که جنسیت، معنادارترین مسیر ($\beta = -0.0709$)؛ $t = 13/237$ ؛ $p = 0/001$) را در کاهش رضایت زناشویی دارد. به بیان دقیق‌تر، میانگین رضایت زناشویی در زن‌ها ($104/85$)، پایین‌تر از مردان ($119/82$) بوده است که همسو با پژوهش فراتحلیل جکسون و همکاران (Jackson et al., 2014, p. 126) و جهانگیری، احمدی و کریمی (۱۴۰۰: ۱۵۶) در تبیین این یافته می‌توان گفت که زن‌ها در عوامل سازنده رضایت زناشویی همچون ویژگی‌های شخصیتی همسر، اوقات فراغت، مسائل مربوط به تربیت و نگهداری بچه‌ها، روابط جنسی و مسائل مالی، ایده‌آل بالاتری را نسبت به مردان دارند و جزئی‌نگرتر هستند؛ اما برای مردان، توانایی حل موفقیت‌آمیز تعارضات زناشویی، کیفیت روابط جنسی و به ویژه، نداشتن مشکلات جدی اقتصادی، میزان زیادی از رضایت زناشویی را تبیین می‌کند. البته از آنجایی که غالب تحقیقات خارجی، رضایت زناشویی مردان و زنان را یکسان و یا با تفاوت جزئی گزارش کرده‌اند، بنابراین می‌توان گفت که مسائل فرهنگی و اجتماعی بسیاری ممکن است در کشور ما ایران منجر به کاهش رضایت زن‌ها در شهر تهران شده باشد که از حیطة پژوهش حاضر، خارج است و نیاز به پژوهش‌های کیفی طولی و بررسی دقیق دارد.

تحلیل‌های جمعیت‌شناختی همچنین نشان داد که افزایش سن به طور معناداری منجر به کاهش رضایت زناشویی در زن‌ها می‌شود. نکته حائز توجه دیگر، سبک دلبستگی در رابطه بین سن و رضایت زناشویی نقش میانجی دارد. به عبارت دیگر، اینکه با افزایش سن، رضایت زناشویی در زن‌ها تا چه میزانی کاهش یابد، به نوع سبک دلبستگی فرد بستگی دارد. همسو با این یافته، پژوهش پورشهریاری و هاشمی گلپایگانی (۱۴۰۰: ۵۲) نیز به بررسی چرایی این مسئله از دیدگاه ابعاد میان‌سالان در زنان پرداخته‌اند. در تبیین کاهش رضایت زن‌ها همراه با افزایش سن، می‌توان گفت که با افزایش سن مسائلی همچون «تغییرات جسمانی» «مهم‌تر شدن ارتباط با اطرافیان»، «توجه به جنبه‌های درونی»، «معنویت»، «دغدغه مالی» و «فرایند حل تعارض‌ها» برای زن‌ها بسیار بااهمیت‌تر از قبل می‌شود و پرواضح است که اختلال در هر یک از این مسائل، با کاهش رضایت زناشویی، همراه خواهد بود. در مقابل، اگر فرد دارای همسری باشد که پاسخگو و در دسترس باشد و دلبستگی ایمنی به او داشته باشد، این احتمال وجود دارد که رضایت زناشویی او دستخوش تغییرات منفی شدید نشود.

از یافته‌های جالب توجه پژوهش حاضر این بود که با افزایش تحصیلات، میزان رضایت زناشویی، تغییری نمی‌کند؛ اما سبک‌های دلبستگی و دلبستگی به خدا، به میزان معناداری بهبود می‌یابد. از سوی دیگر، یافته نشان داد که تحصیلات، به طور غیرمستقیم و از طریق بهبود سبک‌های دلبستگی می‌تواند منجر به بهبود رضایت زناشویی شود. به بیان علمی‌تر، نوع سبک دلبستگی، دارای نقش واسطه‌ای کامل در رابطه بین تحصیلات و رضایت زناشویی می‌باشد که در تبیین این یافته می‌توان گفت هر چند که با بالارفتن سطح تحصیلات، مستقیماً رضایت زناشویی افزایش نمی‌یابد؛ اما بالارفتن سطح تحصیلات می‌تواند منجر به بهبود سبک‌های دلبستگی زوجین شده و از این طریق رضایت زناشویی را افزایش دهد. سطح تحصیلات، می‌تواند با این آگاهی همراه باشد که در رابطه‌های سازنده باید نسبت به همسر خود در دسترس و پاسخگو بود و هم‌زمان به عنوان مأمون و پناهگاهی امن برای آرامش و اکتشاف و خودشکوفایی عمل کرد. این رفتارهای مبتنی بر دلبستگی ایمن، منجر به بهبود پیوندها و سبک دلبستگی و در نهایت، باعث بهبود رضایت زناشویی می‌شود. در مورد رابطه بین افزایش سطح تحصیلات و افزایش دلبستگی به خدا، هر چند که مطالعات در زمینه رابطه بین دلبستگی به خدا و سطح تحصیلات، متناقض هستند، افراد نمونه پژوهش حاضر با اینکه از قسمت‌های متنوعی از تهران، نمونه‌گیری شده بودند نشان دادند که با افزایش تحصیلات، میزان دلبستگی‌شان به خدا افزایش یافته است.

در نهایت، تحلیل داده‌ها نشان داد که افزایش مدت‌زمان ازدواج، مستقیماً منجر به رضایت زناشویی نمی‌شود؛ اما با افزایش مدت‌زمان ازدواج، دلبستگی به خدا به میزان معناداری افزایش می‌یابد که از این طریق، رضایت زناشویی، به

طور غیرمستقیم بهبود می‌یابد. این یافته، همسو با نتایج غباری و نصرتی (۱۳۹۴) و غباری (۱۳۷۷ ب: ۲۰) می‌باشد که به این نتیجه رسیدند که افزایش مدت ازدواج، می‌تواند منجر به افزایش دل‌بستگی به خدا و متعاقب آن، توکل به خدا شود. در تبیین این یافته با نقل به مضمون از مقالات مذکور، می‌توان گفت که ازدواج، توأمان، سرشار از فرصت‌ها و چالش‌هایی است که رفته‌رفته، به انسان بیش از پیش ثابت می‌کند که همه چیز در کنترل او نیست و نمی‌تواند همواره با اتکا به سبک‌های مقابله‌ای متکی بر خویشتن و منابع حمایت بیرونی، بر مشکلاتش فائق آید و در این نقاط عطف، متوجه می‌شود که استفاده از مقابله‌های مذهبی «همچون توکل به خدا» (به کارگیری نهایت تلاش خویشتن همراه با واگذاری نتیجه به خدا و تسلیم امر وی بودن) می‌تواند کاملاً راهگشا و کارآمد باشد. به تدریج این توکل به خدا، تلاش مستمر، صبر و بردباری، زوجین را افزایش داده و موجب بهبود وضعیت رضایت زناشویی می‌شود.

از محدودیت‌های پژوهش حاضر، می‌توان به تعداد بسیار زیاد گویه‌های مقیاس‌ها اشاره کرد که این مسئله، همکاری آقایان را علی‌رغم پیگیری بسیار زیاد، محدود کرد؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود که پژوهشگران پژوهش حاضر را با تعداد نمونه بزرگ‌تری از متأهلان، در نمونه‌های متفاوت، تکرار کنند. در مجموع، علی‌رغم محدودیت مذکور، با توجه به مناسب بودن ویژگی‌های روان‌سنجی مدل رضایت زناشویی، می‌توان از نتایج به‌دست آمده، می‌توان در پژوهش و طراحی مداخلات روان‌شناختی برای افراد متأهل و زوجین، استفاده کرد.

- **ملاحظات اخلاقی پژوهش:** تمامی شرکت‌کنندگان برای شرکت در پژوهش رضایت شفاهی خود را اعلام نمودند و اطمینان لازم در مورد محرمانگی اطلاعات، به آنها داده شده است.
- **سهم نویسندگان:** مقاله برگرفته از رساله دکتری نویسنده اول است و نویسنده مسئول، فرایند راهنمایی رساله و ارسال مقاله را به عهده داشته است.
- **حمایت مالی:** پژوهش حاضر، تحت حمایت مالی - معنوی سازمانی نبوده و نویسندگان، هزینه‌ها را تقبل نموده‌اند.

تعارض منافع

بنا بر اظهار نویسندگان، مقاله حاضر فاقد هرگونه تعارض منافع بوده است.

قدردانی

از تمامی شرکت‌کنندگان و اساتیدی که بدون چشمداشت و صمیمانه، ما را در انجام این پژوهش یاری کردند، صمیمانه سپاسگزاریم.

منابع

- ارزن کار، محمد صالح و دهقانیان، جواد (۱۳۹۶). بررسی تطبیقی مقام توکل و درجات آن در قرآن و متون تعلیمی صوفیه تا قرن هشتم. *عرفانیات در ادب فارسی*، ۳۰(۸): ۴۴-۶۴.
- امان‌الهی، عباس؛ ایزدی‌پناه، محبوبه و سودانی، منصور (۱۳۹۴). بررسی رابطه‌ی دل‌بستگی به خدا، مقدس دانستن ازدواج و صمیمیت معنوی با کیفیت زناشویی. *مشاوره کاربردی*، ۹(۵): ۹۵-۱۱۱.
- بزرگی، منصوره و ارفع، فاطمه‌سادات (۱۴۰۱). تحلیل معناشناختی، توصیفی واژه «توکل» در قرآن کریم. *پژوهنامه مطالعات میان رشته‌ای تفسیر و کلام*، ۶(۴): ۳۶-۶۵.
- پاک‌دامن، شهلا (۱۳۸۳). بررسی ارتباط بین دل‌بستگی و جامعه‌طلبی در نوجوانی. *مجله علوم روانشناختی*، ۳(۹): ۲۵-۴۷.
- پورشهریاری، مه‌سیما و هاشمی گلپایگانی، فاطمه (۱۴۰۰). ابعاد تجربه میان‌سالی در زنان. *دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز*، ۱۳(۴۷): ۳۹-۵۲.

- جهانگیری، عفت؛ احمدی، وکیل و کریمی، جلیل (۱۴۰۰). همسان‌همسری ارزشی و رضایت زناشویی مطالعه موردی: شهر نورآباد. جامعه‌شناسی کاربردی، ۳۲(۴): ۱۴۱-۱۵۶.
- درخش، علی؛ اصلانی، خالد و کرای، امین (۱۳۹۸). تدوین الگوی ازدواج موفق: یک پژوهش کیفی. پژوهش‌نامه زنان، ۲۷(۱۰): ۷۳-۹۷.
- درگاهی، حسن؛ قاسمی، مجتبی و بیرانوند، امین (۱۳۹۷). عوامل اقتصادی و اجتماعی موثر بر طلاق در ایران با تاکید بر ادوار تجاری، آموزش و اشتغال زنان. کار و جامعه، ۲۴۵(۲۹): ۹۵-۱۲۰.
- رنجیر، سروش؛ نصرتی، فاطمه؛ غباری‌بناب، باقر و حسنی، سارا سادات (۱۴۰۰). بررسی رابطه دلبستگی به خدا و تاب‌آوری با صبر در دانشجویان دانشگاه تهران. پژوهش در دین و سلامت، ۲۷(۷): ۶۲-۷۱.
- سیاه‌منصور، مژگان؛ شهابی‌زاده، فاطمه و خوشنویسی، الهه (۱۳۸۷). ادراک دلبستگی کودک، دلبستگی بزرگسال و دلبستگی به خدا. روان‌شناسی تحولی روان‌شناسان ایرانی، ۱۵(۴): ۲۵۳-۲۶۶.
- شهابی‌زاده، فاطمه (۱۳۹۴). مدل علی راهبردهای مقابله مذهبی، نقش کارکرد خانواده و دلبستگی به خدا. مطالعات روان‌شناختی، ۴۳(۱۱): ۱۳۵-۱۶۵.
- صاحب‌دل، حسین؛ زهراکار، کیانوش و دلاور، علی (۱۳۹۴). شناسایی شاخص‌های ازدواج موفق (یک مطالعه کیفی). پژوهش‌های روان‌شناسی بالینی و مشاوره، ۱۰(۵): ۳۲-۴۶.
- غباری‌بناب، باقر. (۱۳۷۷ الف). توکل به خدا. تبسات، ۸-۱(۳): ۱۰۴-۱۱۷.
- غباری‌بناب، باقر. (۱۳۷۷ ب). طرح تهیه مقیاس اندازه‌گیری توکل به خدا. مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، ۴(۱): ۱۶-۲۰.
- غباری‌بناب، باقر و فقیهی، علی نقی. (۱۳۸۸). بررسی مفهوم توکل به خدا و ارتباط آن با دل‌بستگی. مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی، ۱۴-۱۵(۴): ۳۹-۵۲.
- کوچک‌کرای، مصطفی؛ غباری‌بناب، باقر؛ حسنی، فریبا و دوائی، مهدی (۱۴۰۳). تهیه دو فرم کوتاه و موازی از فرم بلند مقیاس توکل به خدا (TiG). مجله روان‌شناسی، ۳(۲۸): ۳۱۲-۳۲۲.
- محمدعلی‌نژادعمران، روح‌الله (۱۳۹۹). آثار توکل در آرامش روان با توجه به قرآن کریم و روایات. سبک زندگی اسلامی با محوریت سلامت، ۱۷(۴): ۷۷-۷۳.

- Allen, Sarah; Hawkins, Alan J.; Harris, Steven M.; Roberts, Kelly; Hubbard, Aimee; & Doman, Mattison. (2022). Day-to-day changes and longer-term adjustments to divorce ideation: Marital commitment uncertainty processes over time. *Family Relations*, 71(2), 611-629.
- Bedair, Khaled; Hamza, Eid Abo; & Gladding, Samuel T. (2020). Attachment style, marital satisfaction, and mutual support attachment style in Qatar. *The Family Journal*, 28(3), 329-336.
- Bilal, A., & Rasool, S. (2020). Marital satisfaction and satisfaction with life: Mediating role of sexual satisfaction in married women. *Journal of Psychosexual Health*, 2(1), 77-86.
- Chua, Y. P. (2023). *A step-by-step guide PLS-SEM data analysis using SmartPLS 4*. Independently published.
- Collins, N. L., & Read, S. J. (1990). Adult attachment, working models, and relationship quality in dating couples. *Journal of personality and social psychology*, 58(4), 644.
- Fowers, B. J., & Olson, D. H. (1989). ENRICH Marital Inventory: A discriminant validity and cross-validation assessment. *Journal of marital and family therapy*, 15(1), 65-79.
- Glenn, N. D. (1975). The contribution of marriage to the psychological well-being of males and females. *Journal of Marriage and the Family*, 594-600.
- Groh, Ashley M.; Fearon, RM Pasco; van IJzendoorn, Marinus H.; Bakermans-Kranenburg, Marian J.; & Roisman, Glenn I. (2017). Attachment in the early life course: Meta-analytic evidence for its role in socioemotional development. *Child Development Perspectives*, 11(1), 70-76.
- Henseler, J., Ringle, C. M., & Sarstedt, M. (2015). A new criterion for assessing discriminant validity in variance-based structural equation modeling. *Journal of the academy of marketing science*, 43, 115-135.
- Jackson, J. B., Miller, R. B., Oka, M., & Henry, R. G. (2014). Gender differences in marital satisfaction: A meta-analysis. *Journal of marriage and family*, 76(1), 105-129.
- Jackson, Jeffrey; Miller, Richard; Oka, Megan; & Henry, Ryan. (2014). Gender Differences in Marital Satisfaction: A Meta-analysis. *Journal of Marriage and Family*, 76. <https://doi.org/10.1111/jomf.12077>
- Jones, Jason D.; Cassidy, Jude; & Shaver, Phillip R. (2015). Parents' self-reported attachment styles: A review of links with parenting behaviors, emotions, and cognitions. *Personality and Social Psychology Review*, 19(1), 44-76.
- Kirkpatrick, Lee A. (1992). An attachment-theory approach psychology of religion. *The international journal for the psychology of religion*, 2(1), 3-28.

- Kirkpatrick, Lee A.; & Shaver, Philip R. (1992). An attachment-theoretical approach to romantic love and religious belief. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 18(3), 266-275.
- Kobak, Roger; Cassidy, Jude; Lyons-Ruth, Karlen; & Ziv, Yair. (2015). Attachment, stress, and psychopathology: A developmental pathways model. *Developmental psychopathology: Volume one: Theory and method*, 333-369.
- Masoumi, Seyedeh Zahra; Khani, Somayeh; Kazemi, Farideh; Kalhori, Fatemeh; Ebrahimi, Reyhaneh; & Roshanaei, Ghodratollah. (2017). Effect of Marital Relationship Enrichment Program on Marital Satisfaction, Marital Intimacy, and Sexual Satisfaction of Infertile Couples. *International Journal of Fertility & Sterility*, 11(3), 197-204.
- Mikulincer, Mario; & Shaver, Phillip R. (2019). Attachment orientations and emotion regulation. *Current opinion in psychology*, 25, 6-10.
- Rowatt, W., & Kirkpatrick, L. A. (2002). Two dimensions of attachment to God and their relation to affect, religiosity, and personality constructs. *Journal for the scientific study of religion*, 41(4), 637-651.
- Sandberg, Jonathan G.; Bradford, Angela B.; & Brown, Andrew P. (2017). Differentiating between attachment styles and behaviors and their association with marital quality. *Family process*, 56(2), 518-531.
- Sina, Farnoush; Najarpourian, Samaneh; & Samavi, S. Abdolvahab. (2018). The prediction of marital satisfaction through attachment styles and love story. *Iranian Journal of Psychiatry and Behavioral Sciences*, 12(4), e62774.
- Zaheri, F., Dolatian, M., Shariati, M., Simbar, M., Ebadi, A., & Azghadi, S. B. H. (2016). Effective factors in marital satisfaction in perspective of Iranian women and men: A systematic review. *Electronic physician*, 8(12), 3369.